

انقلاب کوبا در چشم اندازی تاریخی؛

یک بررسی متدولوژیک

نوشته حاضر بررسی سیستماتیکی است از مسایل تاریخی که به انقلاب ۱۹۵۹ کوبا انجامید؛ نیروهای طبقاتی که در آن شرکت جستند؛ دینامیسم این انقلاب، و چگونگی و علل گسترش آن به فراسوی روابط سرمایه داری و در جهتی سوسیالیستی، که تا امروز ادامه دارد. سعی من بر آن بوده که خطوط کلی حرکت انقلابی، ماهیت رهبری آن، و علل و چگونگی عقب نشینی‌هایش را برای خواننده ترسیم کنم و به ویژه علت و نحوه اتخاذ مسیر سوسیالیستی انقلاب و مفهوم آن نزد انقلابیون کوبایی را روشن سازم. هدف من، علاوه بر شفاف ساختن دینامیسم انقلاب کوبا، ارائه متدی است برای این گونه بررسی. یک برخورد متدولوژیک با انقلاب کوبا، این حسن را دارد که امر انجام یک بحث سازنده را آسان می‌سازد و از جانب دیگر، راه را برای بررسی آن دسته از انقلاباتی که در قرن بیستم در حاشیه نظام سرمایه داری جهانی به وقوع پیوستند، هموار می‌کند. این‌ها، مسایل اساسی برای همه کسانی است که دل به انقلاب اجتماعی سپرده‌اند. نوشته حاضر بر اساس دو دسته از داده‌ها - داده

های تاریخی و داده های نظری (تئوریک) و کسانی هستیم که حقایق تاریخی انقلاب کوبا را نوشته، فهرستی از این منابع و توضیحی از این تحلیل‌هایی که این نوشته با اتکا به آن‌ها تهیه علاوه، در این مختصر فرصت شکافتن این مواضع

نظری و تحلیلی نیست و به هر حال درک من از این‌ها شاید با فهم خواننده یکسان نباشد. از این رو، من صرفاً به چند نوشته دیگر از خودم که در آن‌ها برخی از این مسایل نظری و تحلیلی را شکافتام، در فهرست منابع اشاره کرده‌ام. سرانجام باید به دین خود به انقلابیون کوبایی اشاره کنم، که بدون آن‌ها نه انقلابی بود که مورد بحث امروز ما باشد و نه - اگر استدلال من در این نوشته صحیح باشد - درک معقولی از آن. در نوشته حاضر، به لحاظ نیاز به ایجاز در کلام، جنبه های غنی متعددی از انقلاب کوبا را کنار گذارده‌ام و امیدوارم در فرصت‌های آینده به بحث حول این جوانب نیز پردازم؛ مسایلی چون سنت انقلابی در کوبا و تاثیر انقلابات جهانی بر انقلاب کوبا، مانند انقلابات نیکاراگوئه و گرانادا. به هر حال، امیدوارم که نوشته حاضر عناصر اساسی انقلاب را به نحوی ساده و روشن برای بررسی نقادانه خواننده علاقه مند ارائه داده باشد. از هر گونه نقد و نظر در مورد آن چه که می‌خوانید، تشکر و استقبال می‌کنم.

کامران نیری

تحلیلی - بنا شده است. از این رو، من مدیون تنظیم و تدوین کرده‌اند. خواننده در پانویس به این دین را خواهد یافت. اما توصیف سلسله نظریات و شده، از حوصله این مختصر خارج است. به

نظری و تحلیلی نیست و به هر حال درک من از این‌ها شاید با فهم خواننده یکسان نباشد. از این رو، من صرفاً به چند نوشته دیگر از خودم که در آن‌ها برخی از این مسایل نظری و تحلیلی را شکافتام، در فهرست منابع اشاره کرده‌ام. سرانجام باید به دین خود به انقلابیون کوبایی اشاره کنم، که بدون آن‌ها نه انقلابی بود که مورد بحث امروز ما باشد و نه - اگر استدلال من در این نوشته صحیح باشد - درک معقولی از آن. در نوشته حاضر، به لحاظ نیاز به ایجاز در کلام، جنبه های غنی متعددی از انقلاب کوبا را کنار گذارده‌ام و امیدوارم در فرصت‌های آینده به بحث حول این جوانب نیز پردازم؛ مسایلی چون سنت انقلابی در کوبا و تاثیر انقلابات جهانی بر انقلاب کوبا، مانند انقلابات نیکاراگوئه و گرانادا. به هر حال، امیدوارم که نوشته حاضر عناصر اساسی انقلاب را به نحوی ساده و روشن برای بررسی نقادانه خواننده علاقه مند ارائه داده باشد. از هر گونه نقد و نظر در مورد آن چه که می‌خوانید، تشکر و استقبال می‌کنم.

۱- اقتصاد کوبا در آستانه انقلاب ۱۹۵۹

جامعه و اقتصاد کوبا که توسط استعمار اسپانیا شکل گرفته بود، پس از غلبه ایالات متحده بر آن جزیره به سال ۱۸۹۸، به تدریج وابسته به الزامات انباشت سرمایه شرکت‌های آمریکایی شد. این واقعیت، شکل گیری تولید، توزیع، و گردش و مصرف کالا در اقتصاد کوبا را تعیین می‌کرد. در آستانه انقلاب، شرکت‌های فراملی (چند ملیتی) آمریکایی، اقتصاد کوبا را در چنگ خود داشتند. این‌ها حداقل ۴۰ درصد تولید شکر، ۹۰ درصد ثروت کانی و ۸۰ درصد تولید نیرو را در اختیار گرفته بودند. موسسات و منابع نفتی به طور کامل متعلق به شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی بود. اقتصاد کوبا متکی به تولید شکر بود، که ۲۰ تا ۳۰ درصد تولید

ناخالص ملی و ۸۰ درصد صادرات آن را تشکیل می‌داد و منبع اساسی تامین ارز، جهت واردات کالا بود. صنعت شکر در حدود ۲۵ درصد نیروی کار را در استخدام داشت و در فصل برداشت محصول نیشکر تا نیم میلیون کارگر را جذب خود می‌کرد. این دوره از فعالیت اقتصادی، تنها منبع درآمد بسیاری از کارگران در طول سال بود. شرکت‌های شکر، ۷۰ تا ۷۵ درصد زمین‌های قابل کشت و دو سوم راه آهن و بیشتر اسکله‌ها را در اختیار خود داشتند. اکثر جاده‌ها، برای تسهیل کار شرکت‌های شکر ساخته شده بود. تولید تنباکو، توتون، و قهوه، سایر فعالیت‌های مهم کشاورزی را تشکیل می‌دادند و همراه با مواد کانی، باقی صادرات کوبا را رقم می‌زدند.

طبقه سرمایه دار کوبایی، با منافع اقتصادی آمریکا و سایر قدرت‌های امپریالیستی عجین شده بود. این‌ها برای ماشین آلات، مواد خام، بازار یا اعتبار مالی باید به سراغ کشورهای صنعتی سرمایه داری می‌رفتند. اکثر سود این‌ها، راه به خارج کشور می‌یافت. زمین داران غایب کوبایی، اکثر اراضی را در اختیار داشتند. بنا به آمار کشاورزی در سال ۱۹۴۶، ۱۱۴ مزرعهی بزرگ، ۲۱/۱ درصد کل اراضی و ۸ درصد از مزارع بزرگ، ۷۱/۱ درصد کل زمین کوبا را به خود اختصاص می‌دادند. از جانب دیگر، مزارع کوچکی که ۰/۴ تا ۱۰ هکتار وسعت داشتند و ۳۹ درصد کل واحدهای کشاورزی را شامل می‌شدند، تنها ۳/۳ درصد زمین قابل کشت را در اختیار داشتند! در آستانه انقلاب، ۷۵

درصد زمین زیر کشت در دست ۸ درصد از زمین داران بود، در حالی که ۷۰۰ هزار دهقان بی زمین در فقر مطلق بسر می‌بردند.

صنعت کوبا عمدتاً محدود به تولید کالاهای مصرفی بود. کشتارگاه‌ها، خبازی‌ها، تولید لبنیات و نوشابه، و کارگاه‌های شیرینی‌پزی، از جمله این صنایع بودند. تعداد کارخانجات مدرن، محدود بود. کارگاه‌های کوچک و صنایع خانگی به تولید کفش، لباس، اثاثیه، آجر و کاشی، و محصولات مشابه، مشغول بودند. کالاهای وارداتی که برای قشر ثروتمند جامعه وارد می‌شدند، هویت بازار داخلی را تعیین می‌کردند. ایجاد صنایع جدید، سودآور نبود و بخش عمده‌ای از این گونه فعالیت‌ها به خارج از کشور هدایت می‌شد. به عنوان نمونه، سالانه ۱۱ میلیون کیلو گوجه فرنگی صادر می‌شد، اما حدود ۹ میلیون کیلو رب و سس گوجه فرنگی وارد می‌گشت.

مهم است یادآور شوم که این گونه توسعه اقتصادی کوبا، و کشورهای مشابه، ناشی از توطئه نبود. این گونه توسعه ناموزون در اقتصاد جهانی، صرفاً بازتاب عملکرد بازار بین‌المللی سرمایه‌داری است، که در آن کشورهای که دیر وارد شده‌اند، به ضمیمه اقتصادهای صنعتی سرمایه‌داری تبدیل گشته‌اند. (نگاه کنید به نیری (1992A) شرکت‌های بین‌المللی - از جمله آن دسته که در آمریکا مستقر بودند - می‌کوشیدند تا بر زمین، مواد خام، و نیروی کار و بازار مورد نیازشان کنترل داشته باشند، تا سود بیشتری را برای خویش تضمین کنند. استفاده از قدرت نیز بین‌المللی شد. در نتیجه، امپریالیسم نه یک سیاست زورگویی، که ادامه‌ی منطقی انباشت سرمایه است در حوزه قدرت و دیپلماسی.

همین امر در مورد ماهیت سرمایه‌داران کوبایی صادق بود. این‌ها نیز به دنبال منافع اقتصادی‌شان، هم گام و هم صدا با شرکت‌های بین‌المللی و قدرت‌های امپریالیستی شده بودند؛ چرا که یک هم‌کار درجه‌ی دوم شرکت‌های بین‌المللی، امکان افزایش ثروت و تقویت موقعیت اقتصادی‌اش را داشت. اما برعکس، شرکت‌های کوبایی‌ای که در مقام رقابت با شرکت‌های بین‌المللی - چون یونایتد فوروت، وستینگ‌هاوس و جنرال موتورز - برمی‌آمدند، ورشکست می‌شدند.

این وضع اقتصاد کوبا در آستانه‌ی انقلاب ۱۹۵۹ بود. آن چه برای انباشت سرمایه خوب بود، در کوبا اجرا می‌شد و دلیل مناسبی بر اساس قوانین سرمایه‌ی جهانی برای ایجاد یک

اقتصاد منسجم، دینامیک و خودکفا وجود نداشت.

۲- نیروهای طبقاتی در انقلاب ۱۹۵۹

اما کدام طبقات اجتماعی توان ایجاد یک جدایی ریشه‌ای از منطق بازار جهانی سرمایه‌داری را داشتند، و کاراکتر توسعه در این شرایط نوین چه می‌توانست باشد؟ پتانسیل انقلابی طبقات اجتماعی در کوبا کاملاً با آن چه که در انگلیس قرن هفده، فرانسه قرن هجده، و آمریکای قرن نوزده وجود داشت، متفاوت بود. استعمار و امپریالیسم، عوامل جدید تاریخی‌ای بودند که تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر شکل‌گیری طبقات اجتماعی در کوبا داشتند؛ و به این ترتیب، پتانسیل این طبقات را در انجام یک تحول ریشه‌ای در جهت‌رهایی از وضع موجود و غلبه بر عقب ماندگی تاریخی تعیین می‌کردند. کل طبقات سرمایه‌دار و زمین‌دار - با استثنائات فردی - به ایالات متحده وابسته بودند. این‌ها، قطب‌های اقتصادی در صنعت شکر و صاحبان کارخانه‌های تصفیه‌ی شکر و زمین‌داران غایب بودند. تجار عمده‌ی واردکننده‌ی کالا، سلسله مراتب قدرت در شهرها، بانک‌داران، داد و ستدگران عمده‌ی املاک، صادرکنندگان بزرگ کالا، اکثر مغازه‌دارانی که کالاهای وارداتی می‌فروختند، خیلی از کارمندان فنی که برای شرکت‌های چند ملیتی کار می‌کردند، بسیاری از پزشکان، دندان‌پزشکان، پرستاران و یا کارمندان اداری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر پایه‌ی روابط اقتصادی با امپریالیسم زندگی می‌کردند، به این روابط وابستگی داشتند. حتا آن دسته از کارگرانی که دستمزد و مقام ممتازی نسبت به اکثر کارگران کوبا داشتند، با وضع موجود عجین شده بودند.

تولیدکنندگان خرده‌پا و خانواده‌هایی که تجارتی کوچک داشتند، از وضع موجود بی‌بهره بودند. اما وزنه‌ی اقتصادی و موقعیت اجتماعی آن‌ها، امکان ایفای نقش رهبری جامعه به خروج از بن‌بست را از آن‌ها سلب کرده بود. طبقات اجتماعی اصلی، که در موقعیتی مناسب برای تحول اجتماعی ریشه‌ای قرار داشتند، از توده‌ی تولیدکنندگان مستقیم - یعنی کارگران و دهقانان - تشکیل شده بودند. در این میان می‌توان از کارگران شهری، که در صنایع خانگی و کارگاه‌های کوچک و شبکه‌ی حمل و نقل کار می‌کردند، نام برد. حتا از این‌ها بیشتر - هم از لحاظ تعداد و هم از نظر درجه‌ی استثمار - تولیدکنندگان کشاورزی، اجاره‌نشین‌ها، سهم‌بران و خوش‌نشینان بودند. در کوبا، دهقانان بی

زمین زمانی شکل گرفتند، که دام‌داری و صنعت شکر در سطحی وسیع به وجود آمد. و بالاخره، باید به فقیرترین، یک دست‌ترین و بخش بزرگ پرولتاریای کوبا - کارگران مزارع نیشکر - اشاره کنیم. کارگران کشاورزی و تهی‌دستان روستایی در طی سال‌ها، امیال تاریخی‌شان را برای تحولی بنیادین در روابط ارضی به منصفی ظهور گذاشته بودند. کوبا به استقلال سیاسی و انقلاب در روابط ارضی نیازمند بود؛ نه صرفاً برای تحقق عدالت تاریخی، که بیش از آن جهت تحقق بخشیدن به خواست توده‌ها برای توسعه‌ی اجتماعی.

۳- تعمیق جدال طبقاتی، ظرفیت رهبری و دگرگونی اجتماعی

کاراکتر دمکراتیک انقلابی جنبش ۲۶ ژوئیه و جهت‌گیری پرولتری آن برای موفقیت انقلاب ۱۹۵۹ و گسترش بعدی آن به یک انقلاب اجتماعی جهان - تاریخی، اساسی بود. فیدل کاسترو در بیانیه‌ی دفاعی‌اش در دادگاه به سال ۱۹۵۳ - که بعداً به نام «تاریخ مرا تبرئه خواهد کرد»، مشهور شد - مسایل زمین، مسکن، بیکاری، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، و صنعتی شدن را به عنوان وظایف ملی کوبا مطرح ساخت. بر پایه‌ی چنین برنامه‌ای بود که جنبش ۲۶ ژوئیه توانست وسیع‌ترین نیروهای طبقاتی را برای سرگونی دیکتاتوری دست‌نشانده‌ی ایالات متحده - رژیم خودکامه‌ی فولگنسیو باتیستا - بسیج کند. هم‌چنین، بر اساس متد این برنامه، مبارزه‌ی جنبش توده‌های مستقل در تقابل با اتکا به انواع اصلاح‌گران وضع موجود بود، که انقلاب توانست پس از مبارزه برای قدرت به انجام تحولات اقتصادی - اجتماعی بپردازد و راه را برای وظایف سوسیالیستی هموار نماید. بنابراین، تولیدکنندگان مستقیم کوبایی فرصتی تاریخی یافتند، تا تشکلات و نهادهای انقلابی خویش را ایجاد کنند و امکان یابند که تاریخ را خود رقم بزنند.

تحولات انقلابی طی جنگ انقلابی ۵۸-۱۹۵۶، در مناطق آزاد شده از طریق ایجاد قدرت نوین و نهادها و شیوه‌های آن شروع شد. اما تحولات انقلابی سراسری باید در انتظار کسب قدرت توسط توده‌ها - به رهبری جنبش ۲۶ ژوئیه - که در اول ژانویه ۱۹۵۹ مسیر شد، می‌ماند. حکومت انقلابی، بلافاصله شروع به انجام وعده‌هایش کرد. ارتش و پلیس باتیستا منحل شدند و «ارتش شورشی» جای آن‌ها را گرفت. کسانی که طی سال‌های جنگ، فجع‌ترین

اقدامات را علیه مردم مرتکب شده بودند، در دادگاه های علنی محاکمه و مجازات شدند. در ژانویه، نرخ مصرف برق در نواحی روستایی به نصف تنزل یافت. در فوریه، نرخ بهره وام مسکن کاهش یافت و «انستیتوی ملی پس انداز و مسکن»، برای خانه سازی در شهرها به وجود آمد. قانونی وضع شد تا اراضی آباد نشده در شهرها را در اختیار نیازمندان می گذاشت. هزینه دارو و نرخ تلفن کاهش داده شد. دستمزدها افزایش یافتند. از همه مهم تر، مخالفت فزاینده دولت آمریکا با این اقدامات - که از حمایت توده زحمتکش کوبایی برخوردار بودند - و تخصصی که با محاکمه و مجازات جانین دوره جنگ شروع شد، حکومت انقلابی را سست نکرد. اولین اقدام اجتماعی عمده، وضع و اجرای قانون اصلاحات ارضی هفدهم مه ۱۹۵۹ بود. بر

سیاست توسعه کشاورزی، به وجود آمد. رژیم انقلابی، برنامه‌ی فعالی برای ایجاد روابط اقتصادی و دیپلماتیک با همه کشورهای جهان اتخاذ کرد. در سال ۱۹۵۹، تجارت با ایالات متحده ۷۵ درصد بازرگانی بین المللی کوبا را تشکیل می‌داد و روابط سیاسی کوبا عمدتاً با کشورهای متحد آمریکا بود. صنعت شکر، به سهمیه سالانه‌ی ۳ میلیون تنی ایالات متحده وابسته بود. برای تدارک در مقابل اقدامات ایالات متحده جهت قطع تجارت با کوبا، در تابستان ۱۹۵۹ ارنستو چه گوارا به دیداری از کشورهای بلوک شوروی و هم چنین مصر و هندوستان و ژاپن پرداخت. روابط تجاری به زودی با برخی از این کشورها گسترش یافت و از وابستگی به ایالات متحده کاسته شد. در نهم نوامبر ۱۹۵۹، چه گوارا به ریاست بانک ملی منصوب شد، تا از طریق این بانک فرآیند

شعار «بی سهمیه، اما بی ارباب» پاسخ دادند. در ششم اوت، فیدل کاسترو مصادری ۳۶ تصفیه خانه شکر و زمین‌هایشان، کلیه تصفیه خانه های نفتی و متعلقات شان، و شرکت های برق و تلفن که در اختیار آمریکایی ها بود را اعلام کرد. در هفتم سپتامبر، کوبا بانک های آمریکایی را ملی کرد. برخی دیگر از ملی سازی ها - از جمله ملی سازی دو بانک کانادایی - از طریق خریداری آنها صورت گرفت. اما در مورد متعلقات شرکت های آمریکایی، کوبا پیشنهاد پرداخت خسارت به آنها را به صورت برات های بیست ساله - اوراق بهاداری که تنها از طریق خزانه دولت قابل نقد شدن بود - داد. اما دولت آمریکا، که هیچ گونه علاقه ای به تعدیل خصومت با انقلاب نداشت، از پذیرش این گونه پرداختها امتناع ورزید. هم زمان در طی ملی سازی های ماه های اوت و اکتبر ۱۹۶۰، حدود

کاراگر دمکراتیک انقلابی جنبش ۲۶ ژوئیه و جهت گیری پرولتری آن برای موفقیت انقلاب ۱۹۵۹ و گسترش بعدی آن به یک انقلاب اجتماعی جهان - تاریخی، اساسی بود. فیدل کاسترو در بیانیه دفاعی اش در دادگاه به سال ۱۹۵۳، مسایل زمین، مسکن، بیگاری، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، و صنعتی شدن را به عنوان وظایف ملی کوبا مطرح ساخت. بر پایه چنین برنامه ای بود که جنبش ۲۶ ژوئیه توانست وسیع ترین نیروهای طبقاتی را برای سرنگونی دیکتاتوری دست نشانده ای ایالات متحده - رژیم خودکامه ای فوگلسنیو باتیستا - بسیج کند.



اساس این قانون، زمین به آن کسی تعلق می‌یافت، که آن را کشت می‌کرد. هیچ فردی نمی‌توانست صاحب زمینی باشد، که کشت نمی‌کرد. گرفتن اجاره از خانواده های دهقانی، برای زمینی که روی آن کار می‌کردند، نیز ممنوع شد. قانون جدید، حداکثر میزان زمین را برای هر کس ۴۰۰ هکتار (۳۰۰ کابارییاس) تعیین کرد. در پاییز آن سال، مزارع دام داری مصادره شدند. در این دوره، ۳۰ درصد از اراضی بین دهقانان تقسیم شد؛ اراضی ای که متعلق به دولت مندان رژیم باتیستا بودند و یا اراضی ای که از زمین داران خریداری شده بود. صد هزار خانواده‌ی دهقانی بی زمین از این طریق زمین دار شدند. مزارع عظیم، از جمله آن مزارعی که به شرکت های بین المللی تعلق داشتند، به مالکیت دولت درآمدند و تحت کنترل کارگران کشاورزی - «مزارع مردمی» - قرار گرفتند. «انستیتوی ملی اصلاحات ارضی» برای نظارت و اعمال اصلاحات ارضی، و هم چنین برای تدارک بحث و اتخاذ

کنترل و سپس مدیریت تجارت بین المللی را سازمان دهد. واردات غیر اساسی، جهت استفاده‌ی بیشتر از ارز خارجی برای اکتساب کالاهای اساسی متوقف شد. از جانب دیگر، صادر کنندگان آمریکایی شروع به درخواست پول نقد در ازای واردات کوبایی کردند. تا ماه فوریه ۱۹۶۰، کوبا موفق به امضای قراردادهای تجارتي و اعتباری با اتحاد شوروی و آلمان شرقی شده بود. قراردادهای مشابهی در ماه مارس با لهستان و در ژوئن با چک سلاواکی امضا شد. در این بین اما، سه شرکت نفتی استاندارد اوپل، تکزیکو و شل به توصیه‌ی وزارت خارجه‌ی آمریکا از تصفیه نفت خامی که از شوروی وارد می‌شد، خودداری کردند. در ماه ژوئن، حکومت انقلابی همه‌ی متعلقات این سه شرکت را مصادره کرد. روز هفتم ژوئیه، آیزنهاور (رئیس جمهور ایالات متحده) ۹۵ درصد سهمیه واردات شکر از کوبا را لغو کرد. مردم کوبا به این اقدام با تظاهرات توده‌ای و

۵۰ درصد از زمین های کوبا در اختیار دهقانان و کارگران کشاورزی قرار گرفت. دشمنی دولت ایالات متحده - که هر روز تشدید می‌شد - به تسلیح اولین گروه های ضد انقلاب که در فلوریدا جمع شده بودند، انجامید. عکس العمل کوبا، سازمان دهی سراسری یک نیروی میلیشیا بود. در نوامبر ۱۹۶۰، ایالات متحده محاصره‌ی اقتصادی کوبا را - که تا به امروز ادامه دارد - سازمان داد. چه گوارا در سفری به کشورهای بلوک شوروی، موفق به امضای قرارداد فروش سالانه ۴ میلیون تن شکر شد، که یک میلیون تن بیشتر از سهمیه صادراتی به آمریکا بود؛ که آیزنهاور اخیراً قطع کرده بود. کوبا برای مدت کوتاهی توانست، علیرغم محاصره‌ی اقتصادی، از آمریکا مواد غذایی و دارو وارد کند. اما دادگاه های آمریکا با حمایت از ادعاهای مالی ضد انقلابیون کوبایی، رای به مصادره‌ی خریدهای کوبا دادند. به تدریج همه گونه تجارت با ایالات متحده متوقف شد.

ایالات متحده، در فوریه ۱۹۶۲، اجازه واردات سیگار برگ کوبایی را نیز لغو کرد.

بسیج توده‌ای و تعمیق مبارزه طبقاتی، اقتصاد کوبا را به طور کیفی تغییر داد. در پایان سال ۱۹۶۱، تقریباً ۸۰ درصد ظرفیت صنعتی کشور، ملی شده بود و صنایع عمده شکر، پترولیوم، تصفیه نفت، تلفن و برق، سیمان و هم چنین کارخانجات بزرگ تر و مدرن در همه صنایع تحت کنترل دولت در آمده بود. تنها واحدهای اقتصادی کوچک هنوز در دست بخش خصوصی بود. بخش دولتی، ۹۰ درصد صادرات را تولید می‌کرد و اکثر ماشین آلات، قطعات یدکی و مواد خام را وارد می‌نمود. دولت هم چنین نظام بانکی، راه آهن‌ها، بنادر، شرکت‌های هواپیمایی، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، هتل‌ها، بارها، کازینوها، کافه تریاها و سینماها را در اختیار داشت. مزارع ملی شده، ۳۰ درصد از زمین‌های کوبا و بهترین آن‌ها را تشکیل می‌دادند. تعاونی‌های نیشکر، ۴۵ درصد زمین‌های زیر کشت در این صنعت را در دست داشتند. حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد دام‌ها در «مزارع ملی» بودند. تعاونی‌های کشاورزی در تولید برنج، گوجه فرنگی، و ذغال شرکت داشتند. ترکیب کشورهایی که با کوبا تجارت داشتند، تحول مهمی یافته بود و جای ایالات متحده را شوروی و کشورهای اروپای شرقی پر کرده بودند. مبنای تجارت و روابط مالی و اعتباری بین المللی نیز تغییر کرده بود. با ابتکار کوبا، یک سری معاهدات تجاری، مالی و اعتباری بر اساس سیاست‌های ترجیحی با این کشورها امضا شده بود.

در ژانویه ۱۹۶۲، ایالات متحده کادر دیپلماتیک و کنسولی خود را از کوبا فرا خواند، تا زمینه را برای یک تهاجم همه جانبه علیه انقلاب آماده کند. در ماه آوریل، نیروهای ضد انقلاب – که توسط دولت آمریکا تربیت و مسلح شده بودند – ساحل گیرون (در خلیج خوک‌ها) را اشغال کردند. هدف واشنگتن این بود، که توسط این مزدوران – در خاک کوبا – دولتی اعلام کند و سپس در حمایت از آن، نیروهای مسلح‌اش را به خاک آن کشور اعزام نماید. اما مردم متشکل و مسلح کوبا، ظرف سه روز – از ۱۷ تا ۱۹ آوریل – نیروهای ضد انقلاب را شکست دادند و بسیاری را به اسارت گرفتند. بعدها، کوبا اینان را در ازای دارو و غذا به آمریکا تحویل داد.

در این سال‌ها، کارگران کوبا هرچه بیشتر در مرکز صحنه مبارزه انقلابی قرار گرفتند و حضورشان در همه جا احساس می‌شد. آنان در

بسیج توده‌ای برای افزایش تولید و کار داوطلبانه – از جمله در زمان برداشت نیشکر – شرکت داشتند. کارگران از طریق اتحادیه‌های خود، ۴ درصد از دستمزدشان را داوطلبانه به صندوق ویژه گسترش صنایع می‌دادند. بسیج توده‌ای معروفی، که به ریشه کن کردن بی سوادی در کوبا انجامید، در همین دوره صورت گرفت. اگرچه این اقدام در آغاز به ابتکار جوانان دبیرستانی صورت گرفت، اما به زودی دیگر بخش‌های مردم به آن پیوستند و ظرف فقط نه ماه، بی سوادی – که حدود ۳۰ درصد تخمین زده می‌شد و در نواحی دور افتاده تا ۶۰ درصد بود – به ۴ درصد کاهش یافت.

بر اساس این دست آوردهای انقلاب بود، که در سال ۱۹۶۲ امکان و نیاز به بحث مفصلی پیرامون برنامه و مشی انقلاب – از جمله بحث ریشه‌ای در مورد گذار به سوسیالیسم که تا سال ۱۹۶۵ ادامه یافت – مطرح شد. امر بهسازی دستگاه دولتی و اتخاذ یک برنامه اقتصادی برای کشور در همه سطوح جریان داشت و کارگران به طور اخص در آن شرکت وسیع داشتند. «انجمن ملی کشاورزان خرده پا»، که به تازگی تاسیس شده بود، به بحث در مورد نقش دهقانان در انقلاب پرداخت. تشکیلات مزارع دولتی («مزارع مردمی») بهسازی شدند. «ارتش شورشی» طی این سال باقی ماند و دسته جات یاغی ضد انقلاب را که در نقاط دور افتاده ایجاد ناامنی می‌کردند، از بین برد. سال ۱۹۶۲، هم چنین شاهد «بیانیه دوم هاوانا» بود، که طی آن رهبری انقلاب به توده زحمتکششان در آمریکای لاتین متوسل شد، تا علیه رژیم‌هایی که با اشاره واشنگتن به قطع رابطه با کوبا و شرکت در محاصره اقتصادی آن اقدام کرده بودند، قیام کنند. در ماه اکتبر، کابینه‌ی کندی به محاصره دریایی کوبا دست زد و از این طریق یک رویارویی اساسی بین انقلاب و امپریالیسم از یک سو، و بین واشنگتن و مسکو از سوی دیگر را به وجود آورد؛ که جهان را به آستانه‌ی جنگ هسته‌ای سوق داد. در حالی که خروش‌چف در این رویارویی، هدف خارج ساختن بمب‌های اتمی آمریکا از ترکیه به ازای باز پس گرفتن سلاح‌های اتمی از کوبا را دنبال می‌کرد، پاسخ انقلاب کوبا به ایالات متحده بسیج میلیونی مردم بود؛ که سرانجام اراده‌ی آمریکا را درهم شکست.

دومین برنامه‌ی اصلاحات ارضی، در سال ۱۹۶۳ تصویب و شروع به اجرا شد. اصلاحات ارضی سال ۱۹۵۹ هنوز به زمین دارانی، که تا ۴۰۰

هکتار زمین در اختیار داشتند، اجازه فعالیت می‌داد. اما عده‌ی زیادی از این‌ها در عمل دست اندر کار تخریب اقتصادی بودند و زمین‌های تحت اختیار خود را کشت موثر نمی‌کردند. قانون جدید، حداکثر میزان زمین برای هر فرد را حدود ۶۷ هکتار (۵ کابایریاس) تعیین کرد. زمین‌های مازاد از صاحبان آن خریداری شد و بین دهقانان تقسیم گردید. طی این سال، تجربیات متعدد با برنامه ریزی اقتصادی شروع شد. صنعت نیشکر که کاملاً ملی شده بود و منبع عمده‌ی ارز خارجی را تشکیل می‌داد، در وهله‌ی اول مورد توجه قرار گرفت. برنامه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای جهت گسترش امکانات مدارس و خدمات پزشکی، و امکانات ورزشی و تفریحی و فرهنگی، به مناطق محروم در دستور کار واقع شد. ایجاد یا گسترش صنایع – از جمله سیمان، کود شیمیایی، مونتاژ اتوبوس، تولید خرمن کوب و لوله سازی – به جریان افتاد. و هر کجا که میسر بود، از نیروهای داوطلب برای برنامه‌های عمرانی استفاده شد.

۴- ظهور و تکامل تشکلات توده‌ای و جهت گیری

سوسیالیستی

در شانزدهم آوریل ۱۹۶۱، زمانی که انقلاب در معرض حمله‌ی نظامی مزدوران ایالات متحده بود، فیدل کاسترو طی یک سخنرانی، کاراکتر انقلاب کوبا را سوسیالیستی اعلام کرد. در حقیقت، بسیج توده‌ای که به شکست نظامی ضد انقلابیون در ساحل گیرون انجامید، با شعار دفاع از سوسیالیسم سازمان داده شده بود. نطق کاسترو تأیید علنی و رسمی فرآیند تاریخی‌ای بود، که در کوبا در جریان بود و توسط جنبش ۲۶ ژوئیه و پیشتازی که توسط آن متشکل شده بود، هدایت می‌شد. این نتیجه گیری سیاسی بر پایه‌ی یک ارزیابی واقع بینانه از این جریان تاریخی بود، که انجام وظایف دمکراتیک انقلاب کوبا مستلزم اتحاد کارگران و دهقانان و یک جهت گیری پرولتری و سوسیالیستی است. انقلاب دمکراتیک ملی در برابر تهاجم ارتجاع داخلی و امپریالیسم، به انقلابی ضد سرمایه داری و سوسیالیستی گسترش یافت؛ چرا که در فرآیند انجام و دفاع از وظایف دمکراتیک و فوری طبقاتی، این فقط پرولترهای شهر و ده بودند که به طور پیگیر در هماهنگی با رهبری‌ای که به خواست‌ها و بسیج آنان به طور منظم پاسخ مثبت می‌داد و حاضر نبود در برابر امپریالیسم و ارتجاع زانو خم کند، در مرکز صحنه‌ی عمل سیاسی قرار گرفته بودند و تاریخ را بر اساس



بسیج توده‌ای معروفی، که به ریشه کن کردن بی سوادی در کوبا انجامید، در همین دوره صورت گرفت. اگرچه این اقدام در آغاز به ابتکار جوانان دبیرستانی صورت گرفت، اما به زودی دیگر بخش‌های مردم به آن پیوستند و ظرف فقط نه ماه، بی سوادی - که حدود ۳۰ درصد تخمین زده می‌شد و در نواحی دور افتاده تا ۶۰ درصد بود - به ۴ درصد کاهش یافت.

که در گرو نحوه انجام این مصادرات تعیین می‌شود. آیا این مصادرات بر پایه جنبش انقلابی توده‌ای است و آیا تشکلات خودجوش کارگران و زحمتکشان را تقویت می‌کند؟ در کوبا، رهبری انقلابی با اعتماد به نفس و هم پای جنبش توده‌ای عمل کرد. این رهبری، اهمیت اقدامات عمده انقلابی را معمولاً از طریق سخنرانی‌های فیدل کاسترو - که الزاماً طولانی نیز هستند - توضیح می‌داد. وظیفه آموزش انقلابی کارگران و دهقانان، از نفس اقدامات اقتصادی انقلاب اساسی تر بود. تحولات ساختاری در بافت اقتصاد از آن نظر اهمیت داشت، که زمینه را برای کارگران و دهقانان مهیا می‌کرد، تا به طور فزاینده‌ای بر زندگی خود حاکم شوند. در دوائر مختلف لیبرال، سوسیال دمکرات، و استالینیست، رایج است که به دست آوردهای کوبا در زمینه بهداشت و درمان و آموزش و پرورش به عنوان نموده‌های سوسیالیستی اشاره می‌کنند. اما استاندارد بالا و تساوی در بهره برداری از این خدمات، نشانه‌ی سوسیالیست بودن این‌ها نیست. برعکس، نحوه‌ای که در کوبا منجر به دست یافتن به این دست آوردهای اجتماعی شده است، یعنی شرکت مستقیم توده‌ی پرولتر در تعیین سرنوشت خویش است که مسیر سوسیالیستی در این کشور را مشخص می‌کند. (برای یک بررسی از این دست از نظام بهداشت و درمان در کوبا، نگاه کنید به نیری ۱۹۹۵) از این رو، ظهور و تکامل سازمان‌های توده‌ای در کوبا - به ویژه تشکلات کارگران و دهقانان و نقش اینان در رشد آگاهی کمونیستی و شکل گیری سیاست دولتی و مشی اجتماعی - حیاتی است و به یک تحلیل مفصل و مجزا احتیاج دارد. از نقطه نظر نوشته‌ی حاضر، من صرفاً یادآوری می‌کنم که مردم کوبا بسیار متشکل و

جملگی در سنت غالب بر کمینترن شکل گرفتند و علیرغم اختلافاتی با مسکو به همان چشم انداز معتقد بودند - که قشر دیوان سالاری که بعد از ناکامی انقلاب روسیه در سال‌های دهه‌ی ۱۹۲۰ در حزب و دولت و جامعه قدرت گرفت - باور داشت. این قشر محافظه کار ضد کارگری، چشم انداز انترناسیونالیستی و سیاست پرولتری را قربانی منافع خود کرد؛ و سیاست «هم زیستی مسالمت آمیز» با سرمایه داران و زمین داران را برای حفظ قدرت خویش اتخاذ نمود. از جانب دیگر، جنبش ۲۶ ژوئیه حول برنامه و سنت انقلابی بلشویک‌ها نیز متشکل نشده بود؛ برنامه و سنتی که دیگر به راحتی در دسترس انقلابیون در سطح جهان نبود. در عین حال، رهبران جنبش ۲۶ ژوئیه به رهبران عمده‌ی جنبش کمونیستی - مارکس و انگلس و لنین - علاقه و توجه داشتند و برخی از آنان چون چه گوارا و فیدل کاسترو با آثار آنان از نزدیک آشنا بودند. آن چه پایگاه عقیدتی جنبش ۲۶ ژوئیه را مشخص می‌کرد، همانا میراث دمکراسی انقلابی و انترناسیونالیسم جنبش انقلابی در کوبا بود، که در دوره مبارزه برای استقلال در قرن نوزدهم توسط فلیکس وارلا، ماکسیمو گومز، کارلوس مانوئل سیسپه دس و خوزه مارتی مطرح و مدون شده بود. رهبری جنبش ۲۶ ژوئیه، این سنت انقلابی را احیا و راهنمای عمل خود نمود و از این دیدگاه به فرآیند مبارزه‌ی طبقاتی در کوبا و جهان برخورد کرد. این امر از یک سو به تعمیق و موفقیت انقلاب دمکراتیک ملی کمک کرد، و از سوی دیگر راه را برای گسترش انقلاب در مسیری ضد سرمایه داری و سوسیالیستی هموار نمود. از دیدگاه مارکس، ماهیت انقلاب سوسیالیستی نه بر پایه‌ی میزان مصادره‌ی املاک سرمایه داری،

خواست خود رقم می‌زدند. با تفاوت‌های مهمی، همین منطق در مورد انقلابات دیگری که در قرن بیستم در حاشیه‌ی نظام سرمایه داری جهانی به وقوع پیوستند، به ویژه انقلابات در روسیه، یوگسلاوی، چین و ویتنام صادق بوده است. در همه‌ی این انقلابات، وظایف دمکراتیک انگیزه‌ی اولیه بودند، اما در برابر ورشکستگی تاریخی بورژوازی و در برابر نظم سرمایه داری جهانی (امپریالیسم)، انقلاب مجبور به اقدامات رادیکال در جهتی ضد سرمایه داری شد. رهبران انقلاب کوبا در فرصت‌های متعددی به این واقعیت در مورد سیر تحولات تاریخی اشاره کردند. به یک مورد از مصاحبه‌ی چه گوارا با مجله‌ی آمریکایی «لوک»، در هشتم نوامبر ۱۹۶۰، اکتفا می‌کنم: «آینده انقلاب تا حد زیادی به اقدامات ایالات متحده وابسته است. جدا از اصلاحات ارضی که مردم کوبا خواهان آن بودند و به ابتکار آنان آغاز شد، سایر اقدامات رادیکال ما در پاسخ به تجاوزات مستقیم انحصارات قدرتمندی که کشور شما سخن گوی اساسی آن است، صورت پذیرفته است. اعمال فشار از طرف ایالات متحده، لزوم «رادیکال» شدن انقلاب کوبا را مطرح کرده است. اگر مایل هستید بدانید انقلاب کوبا تا چه حد جلو خواهد رفت، بهتر است از دولت آمریکا پرسید که تا چه اندازه در برنامه هایش (علیه انقلاب) پافشاری خواهد کرد». البته واقعیت یاد شده که ناشی از شرایط عینی توسعه‌ی اقتصاد جهانی سرمایه داری است، نباید تفاوت‌های مهم در شرایط ذهنی در کشورهای یاد شده را پپوشاند. تفاوت عمده در انقلاب کوبا، ماهیت رهبری آن است. جنبش ۲۶ ژوئیه، خارج از سنت استالینیسم شکل گرفت. از این رو، رهبری انقلاب کوبا تفاوتی کیفی با رهبری انقلابات در یوگسلاوی، چین و ویتنام دارد، که

درگیر در مسایل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هستند. برای یک کوبایی عادی است، که عضو چند تشکل توده‌ای باشد. همه‌ی تشکلات توده‌ای به طور داوطلبانه عمل می‌کنند. آن‌ها عمدتاً پاسخ تشکیلاتی به جنبش انقلابی بوده‌اند، که در مقطعی ظاهر و سپس تحول یافتند. فرآیند رشد آن‌ها از منطقی مشابه پیروی می‌کند، همراه با خیزش‌های انقلابی توسعه می‌یابند و در دوران عقب نشینی انقلاب دچار رکود می‌شوند. بعد از «ارتش شورشی»، که طی جنگ انقلابی شکل گرفت، تشکل «میلیشیا‌ی ملی انقلابی» نیز در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۹ تأسیس شد. از آن زمان به بعد، انقلاب کوبا به یک جمعیت مسلح و آماده به دفاع از خویش تکیه کرده است. در ۴۱ سال گذشته، در مقابله با تحاصم بی‌امان امپریالیستی، این تشکلات تقویت شده‌اند. در حال حاضر، انقلاب کوبا بر پایه‌ی مشی «جنگ تمامی ملت»، که مستلزم آمادگی همه‌ی جمعیت برای مقابله با حمله‌ی احتمالی امپریالیست‌ها است، از خود دفاع می‌کند. «گردان‌های میلیشیا‌ی منطقه‌ای»، «بریگاد دفاعی و تولیدی»، و «ذخیره‌های نظامی»، در کنار «نیروهای مسلح انقلابی» (ارتش ثابت کوبا) و وزارت کشور، از جمله تشکلات توده‌ای مسلحی هستند که برای دفاع ملی آماده می‌باشند. «کمیته‌های دفاع از انقلاب» در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۰، برای مقابله با ترور دستجات مسلح ضد انقلابی در محلات به وجود آمدند و بعدها مشغول فعالیت‌های دیگری چون کمک به اهدای خون به بانک‌های خون در کشور، واکسیناسیون علیه بیماری فلج، متشکل کردن و تشویق به کار داوطلبانه، و سازمان دادن آموزش نظامی در محلات شدند. در سال ۱۹۹۶، حدود ۷ میلیون کوبایی عضو این کمیته‌ها بودند.

اصلاحات ارضی، وظیفه‌ی مرکزی دیگر انقلاب کوبا بود. در هفدهم مه ۱۹۶۱، «انجمن ملی کشاورزان خرده‌پا» به وجود آمد، تا منافع جمعی خانواده‌های دهقانی را متجلی کند. کارگران کوبایی در دهه‌ی ۱۹۲۰، اولین اتحادیه‌های خویش را به وجود آوردند و در سال ۱۹۳۰ نیز کنفدراسیون کارگران به نام «مرکز کارگران کوبایی» تأسیس گشت. بعد از انقلاب، این اتحادیه‌ها رشد کردند و در سال ۱۹۷۰، «مرکز کارگران کوبایی» سیزدهمین کنگره‌اش را برگزار نمود، که وظیفه‌ی مرکزی‌اش تصویب اساس نامیه جدیدی بود که بر پایه‌ی آن رهبری جدیدی انتخاب می‌شد که می‌توانست در هر زمان با رای اکثریت کارگران معزول شود.

بر اساس این تجربه در جنبش کارگری بود، که در سال ۱۹۷۳ اولین انجمن ایالتی در ماتانزا انتخاب شد. این انجمن که «قدرت مردم» نام گرفت، الگویی شد برای انجمن‌های محلی و ایالتی و کشوری که از سال ۱۹۷۵ به بعد انتخاب شدند. نظام انتخاباتی کوبا بر پایه‌ی شرکت توده‌ی مردم در تعیین سیاست از سطح محلی تا سطح ملی سازمان یافته است. در سطح محلی برای هر کرسی ۲ تا ۸ نفر نامزد انتخاباتی از طرف شهروندان، در یک گردهمایی عمومی، پیشنهاد می‌شوند و پس از تأیید و معرفی به مرکز انتخابات، با رای مستقیم و مخفی شهروندان به انجمن شهر انتخاب می‌گردند. نامزدهای انتخاباتی، نامزد حزب سیاسی نیستند؛ اگرچه عضو حزب و یا هر تشکل توده‌ای دیگری می‌توانند باشند. دسترسی نامزدهای انتخاباتی به امکانات تبلیغاتی یکسان است و در هر مورد به توصیف سابقه‌ی فعالیت اجتماعی و سیاسی محدود می‌شود. در مورد انتخابات ایالتی و ملی (کشوری) نامزدهای انتخاباتی از سوی تشکلات توده‌ای در یک گردهمایی – که توسط «مرکز کارگران کوبایی» هدایت می‌شود – تعیین می‌گردند. «انجمن ملی کشاورزان خرده‌پا»، «کمیته‌های دفاع از انقلاب»، «فدراسیون زنان کوبا»، «فدراسیون دانشجویان کوبا» و «فدراسیون دانش آموزان متوسطه‌ی کوبا» در این امر شرکت دارند. همه‌ی مردم کوبا که ۱۶ سال یا بیشتر دارند، یعنی حدود ۷ میلیون نفر، در انتخابات شرکت می‌کنند. در فوریه ۱۹۹۳، در عمق بحران شدید اقتصادی و در شرایطی که تبلیغات وسیع ضد انقلابی از مردم می‌خواست که در انتخابات شرکت نکنند و یا رای سفید بدهند، ۹۹/۵۷ درصد از جمعیت انتخاب کننده به پای صندوق‌های رای رفتند و از این عده، ۹۷/۱ درصد به نامزدهای مورد نظر خود رای دادند. وظیفه‌ی نظارت بر آرای انتخاباتی در کوبا بر عهده‌ی «اتحادیه‌ی پیش‌آهنگ‌ها» است، که تشکل مستقل دانش آموزان دبستانی است. انتخابات شهری هر دو سال و نیم یک بار و انتخابات ایالتی و کشوری هر پنج سال یک بار انجام می‌شود. همه‌ی نمایندگان در هر زمان با رای اکثریت رای دهندگان، قابل عزل هستند. عالی‌ترین مقام در کوبا «مجلس ملی قدرت مردمی» (پارلمان کوبا) است. این بدنه است، که «شورای دولت» و از جمله ریاست جمهور را – که در عین حال «رئیس دولت» و «رئیس حکومت» نیز هست – انتخاب می‌کند و بر عمل وی نظارت دارد.

«فدراسیون زنان کوبا» در اوت ۱۹۶۰ به وجود آمد. در حال حاضر، زنان ۴۰ درصد نیروی کار غیر نظامی، ۶۲ درصد کادر فنی، ۲۹ درصد مدیریت اجرایی، ۲۳ درصد نمایندگان مجلس ملی، و تقریباً ۶۰ درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی را تشکیل می‌دهند. نیم میلیون زن در «گردان میلیشیا‌ی منطقه‌ای» شرکت دارند. تعداد زیادی تشکلات توده‌ای دیگر نیز وجود دارد، که در این جا فقط از اتحادیه‌ی دانش آموزان دبستانی، فدراسیون دانش آموزان دبیرستانی، فدراسیون دانشجویان دانشگاه‌ها، اتحادیه‌ی ملی نویسندگان و هنرمندان و اتحادیه‌ی ژورنالیست‌های کوبا نام می‌برم.

حزب کمونیست کوبا به ابتکار جنبش ۲۶ ژوئیه و با وحدت حزب سوسیالیست خلق (حزب طرفدار مسکو در کوبا) و «ستاد انقلابی (که عمدتاً سازمانی از دانشجویان انقلابی بود) در سال ۱۹۶۵ ایجاد شد. ایده‌ی یک حزب انقلابی واحد، ریشه در تفکر حوزه‌ی مارتی دارد و نیز در آن سنت دمکراسی انقلابی‌ای که در دهه‌ی ۱۸۸۰ در کوبا انسجام یافت. این نظر هیچ رابطه‌ای با حکم استالینیستی «نظام یک حزبی»، که در آن تنوع گرایش‌های سیاسی و بحث آزاد ممنوع است، ندارد.

«اتحادیه‌ی جوانان کمونیست» در سال ۱۹۶۳ به وجود آمد. هیچ کدام از این دو – «حزب کمونیست» و «اتحادیه‌ی جوانان کمونیست» – تشکلات انتخاباتی نیستند و در انتخابات نامزد معرفی نمی‌کنند. نقش این‌ها در جامعه‌ی کوبا سیاسی و ایدئولوژیک است و تأثیرشان بر انقلاب عمدتاً بر اساس نفوذ سیاسی و اخلاقی‌شان در جامعه است. برای پیوستن به این تشکلات، افراد باید بر اساس عمل نمونه‌ی شان در محل کار و فعالیت خود، از جانب همکاران شان معرفی شوند و برنامه و سنت این تشکلات را بپذیرند. در سال ۱۹۹۴، حدود ۷۰۴ هزار و ۱۳۲ نفر عضو حزب کمونیست بودند.

۵_ مسایل نظری و عملی گذار به سوسیالیسم در کوبا

با در نظر گرفتن شرایط عینی و ذهنی‌ای، که به توسعه‌ی انقلاب دمکراتیک ملی به یک انقلاب سوسیالیستی در کوبا انجامید، چگونه باید فرآیند دوران گذار را طی کرد؟ چگونه می‌توان از شرایطی که اکنون خواننده با رؤس آن آشنایی دارد، راه به آینده‌ای گشود که جامعه‌ی طبقاتی، ستم و استثمار، و از خود بیگانگی ریشه کن شده باشد؟ این دست سئوالات – از

جانب همی گرایشاتی که در انقلاب کوبا شرکت داشتند - در بحث داغی که در سال‌های ۶۵-۱۹۶۲ انجام شد و دامنه‌ی بین‌المللی پیدا کرد و نظریه‌پردازی چون ارنست مندل و شارل بتلهایم را نیز درگیر نمود، مطرح شدند. محور اساسی این بحث، ارزیابی از نقش قانون ارزش در گذار به سوسیالیسم بود. دو نقطه نظر متقابل در این جدل نظری و سیاسی (عملی) وجود داشت. سخن گوی عمده‌ی یکی از این دو گرایش، کارلوس رافائل رودریگز، یکی از رهبران حزب سوسیالیست خلق - که در مکتب سیاسی استالینیسیم تربیت شده بود و به شوروی به عنوان نمونه‌ی درخشان «سوسیالیسم واقعا موجود» باور داشت - بود. او «سیستم مدیریت اقتصادی»، که زمانی به نام «سیستم خود مدیریت مالی» نیز خوانده می‌شد، را برای کوبا پیشنهاد می‌کرد. سیاست‌های وزارت اصلاحات ارضی و وزارت تجارت خارجی، که تحت نظر رودریگز بودند، با این شیوه‌ی مدیریت اداره می‌شد. اساس الگوی توسعه در اتحاد شوروی، بعد از مرگ لنین - و هم چنین در اروپای شرقی - بر پایه‌ی ترکیب سیاست‌های مدیریت اداری - که توسط دیوان سالاری تعیین می‌شد - و مدیریت از طریق انگیزه‌های مادی و مکانیسم بازار - که توسط فن سالاران ترجیح داده می‌شد - استوار بود. دیوان سالاری غاصب قدرت سیاسی ترجیح می‌داد، که بر کلیه‌ی شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نظارت و کنترل داشته باشد. اما اعمال اراده کردن دیوان سالاران باید گه‌گه با انگیزه‌های مادی توأم می‌شد و از این رو تلفیق مدیریت اداری و مدیریت مالی به صورت انواع الگوهای توسعه‌ی باب طبع دیوان سالاران و فن سالاران در اتحاد شوروی و اروپای شرقی شکل گرفته و به کار رفتند. استالین در جزوه‌ی «مسائل اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی»، در سال ۱۹۵۲، این نوع تلفیق

را توصیه می‌کند: «با شناسایی قوانین اقتصادی و تاکید بر آن‌ها، جامعه می‌تواند حوزه‌ی عمل این قوانین را محدود کند و آن‌ها را به نفع خود به کار گیرد». اوج کاربرد مکانیسم بازار برای «توسعه‌ی سوسیالیستی»، اما در یوگسلاوی و تحت عنوان عوام فریبانه‌ی «خود مدیریت کارگری» ظاهر شد.

نظریه پرداز عمده‌ی گرایش متقابل، ارنستو چه گوارا بود که طی سفر به شوروی و کشورهای اروپای شرقی از نزدیک با عملکرد الگوی توسعه‌ی این کشورها آشنا شده بود و بر اساس ملاحظات نظری و عملی (سیاسی) ارزیابی نقادانه‌ی از این‌ها داشت. چه گوارا استدلال می‌کرد، که رشد آگاهی کمونیستی توده‌ای برای ایجاد سوسیالیسم اساسی است. اما رشد چنین آگاهی کمونیستی‌ای با عملکرد قانون ارزش - یعنی با روابط بازاری و شیوه‌های اداری - در تضاد آشتی ناپذیر است. از این‌تر اولی، چه گوارا لزوم ایجاد یک استراتژی توسعه را نتیجه می‌گرفت، که به طور سیستماتیک پایه‌ی مادی و اجتماعی قانون ارزش را سست کند و نهایتا از بین ببرد. چه گوارا ترکیبی از انگیزه‌های مادی و اخلاقی را در دوران گذار - برای تقلیل دامنه‌ی روابط بازار و به نفع تقویت روش مدیریت دمکراتیک تولید کنندگان مستقیم - پیشنهاد می‌کرد. در مقام ریاست بانک ملی کوبا و وزیر صنایع، چه گوارا دست به کار تدوین و به کار گرفتن الگوی توسعه‌ی سوسیالیستی بر این مبنا شد؛ که به «سیستم مالی بودجه‌ای» معروف گشت. این سیستم مدیریت اقتصادی، تلفیقی بود از برنامه‌هایی که از نقطه نظر اقتصادی قابل اجرا بودند و شرکت داوطلبانه و فعال مردم کارگر در همه‌ی جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی. برای کسانی که از کوبا دیدار می‌کنند، مشکل نیست که نمونه‌هایی از فعالیت‌های داوطلبانه مردم کارگر را مشاهده کنند. این فعالیت‌های داوطلبانه

در عرصه‌های وسیع - از ساختن مسکن، کلینیک‌های پزشکی، و مدارس، تا برداشت محصول نیشکر و شرکت در ماموریت‌های انترناسیونالیستی - صورت می‌گیرد. در واقع چشم انداز پیشنهادی چه گوارا، از تجربه‌ی انقلاب کوبا نشأت می‌گرفت، که میراث انقلابی این سرزمین را از زمان خوزه مارتی به بعد در بر دارد و از بازگشت به نظریه‌ی مارکس و تجدید حیات آن - که برای ده‌ها سال در نتیجه‌ی غلبه‌ی سوسیال‌دموکراسی و استالینیسیم از دسترس انقلابیون دور افتاده بود - محروم بود.

بعد از شکست نظامی گردان چریکی چه گوارا در بولیوی و دستگیری و قتل او (در اکتبر ۱۹۶۷) به دست ارتش آن کشور - که از واشنگتن دستور می‌گرفت - فیدل کاسترو و سایر رهبران انقلاب که به چشم انداز مشابهی برای گذار به سوسیالیسم معتقد بودند، بر انگیزه‌های اخلاقی - تا حد غفلت از انگیزه‌های مادی و کاربرد سیستم مدیریت و نظارت اقتصادی‌ای که چه گوارا بر آن اصرار داشت - تاکید کردند. در نتیجه، شکافی بین اهداف اقتصادی و اهداف سیاسی ایجاد شد و نتیجه‌ی مصیبت بار اقتصادی خود را در محصول ناچیز نیشکر در سال ۱۹۷۰ نشان داد. این اشتباه ماورای چپ، باعث شد که اکثریتی از رهبری انقلاب کوبا تصمیم به اتخاذ الگوی توسعه‌ی اقتصادی شوروی بگیرد. این امر سرآغاز مرحله‌ی دوم توسعه در کوبا شد، که تا سال ۱۹۸۵ رسماً ادامه داشت. اما انقلاب در دهه‌ی ۱۹۶۰، زیربنایی از تشکلات توده‌ای ایجاد کرده بود، که بر اساس آن توسعه‌ی برنامه‌های اجتماعی از قبیل آموزش و پرورش و بهداشت و درمان ممکن شد. مهم‌تر از نقطه نظر برنامه و استراتژی، معرفی دیدگاهی بود که چه گوارا از تلفیق سنت انقلابی کوبا با نظریه‌ی مارکس از گذار به سوسیالیسم برای تفکر و بحث پیش‌تاز انقلابی - که بخش مهمی از طبقه‌ی

همه‌ی مردم کوبا که ۱۶ سال یا بیشتر دارند، یعنی حدود ۷ میلیون نفر، در انتخابات شرکت می‌کنند. در فوریه ۱۹۹۳، در عمق بحران شدید اقتصادی و در شرایطی که تبلیغات وسیع ضد انقلابی از مردم می‌خواست که در انتخابات شرکت نکنند و یا رای سفید بدهند، ۹۹/۵۷ درصد از جمعیت انتخاب‌کننده به پای صندوق‌های رای رفتند و از این عده، ۹۷/۱ درصد به نامزدهای مورد نظر خود رای دادند. وظیفه‌ی نظارت بر آرای انتخاباتی بر عهده‌ی «اتحادیه‌ی پیش‌آهنگ‌ها» است، که تشکل مستقل دانش‌آموزان دبستانی است.



کارگر را در برمی‌گرفت _ ارائه کرده بود. طی سال‌های ۸۵-۱۹۷۰، کوبا تقسیم کار مرسوم بین کشورهای عضو «شورای همکاری اقتصادی مشترک» (کومکن) را که توسط شوروی دیکته شده بود، پذیرفت. در این دوره، اقتصاد کوبا در زمینه‌های تولید نیشکر، نیکل، تنباکو، مرکبات، ماهی، و بیوتکنولوژیک رشد کرد. از جانب دیگر، کوبا به کومکن برای دسترسی به برخی محصولات اساسی چون غذا، انرژی، و تکنولوژی وابسته شد. از نقطه نظر سیاسی، مشکل اساسی تر نتایج مستقیم کاربرد انگیزه‌های مادی و شیوه‌های اداری بود، که به صورت رشد فردگرایی در بین کارگران و زحمتکشان و رشد قشر دیوان سالار ظاهر می‌شد. گرایشی در کوبا جا می‌افتاد، که برای مسایل اجتماعی راه حل فردی می‌طلبید. پارتی بازی رایج شد و در نتیجه، کادر اداری موسسات رشد وحشتناکی کرد. مدیران واحدهای اقتصادی و سایر نهادها، انگیزه‌های برای بهسازی و افزایش تولید نداشتند. در سطح اقتصاد کلان، برنامه ریزی لطمه می‌دید و طرح‌های دراز مدت ناتمام رها می‌شد. این همه، به گسترش یاس سیاسی در طبقه‌ی کارگر دامن می‌زد. در یک کلام، انقلاب به خطر افتاده بود.

از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، راثول کاسترو طرح نقادانه‌ی این مشکلات را آغاز کرد. از سال ۱۹۸۴، رهبری انقلاب کوبا بحثی را پیرامون الگوی توسعه آغاز نمود. کنگره‌ی حزب کمونیست، در سال ۱۹۸۶، «فرآیند تصحیح» خط مشی‌ای که بر اساس نقد صریح الگوی اتحاد شده در دهه‌ی ۱۹۷۰ استوار بود، را تصویب کرد. فیدل کاسترو طی چند سخنرانی عمده در این سال، حزب کمونیست و جامعه‌ی کوبا را به بررسی مجدد استراتژی پیشنهادی چه گوارا تشویق کرد. این اقدامات مورد استقبال توده‌ی کارگر و زحمتکش واقع شد. در سال‌های اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، صدها هزار نفر در بریگاده‌های داوطلبانه برای انجام پروژه‌های اجتماعی _ از جمله ساختن مسکن، مهد کودک، پلی کلینیک و مدارس _ بسیج شدند. نسل جدیدی از کارگران، داوطلبانی که در ماموریت‌های انترناسیونالیستی شرکت داشتند، رزمندگانی که در آنگولا به مقاومت در برابر تجاوزات ارتش آپارتاید پیوسته بودند، و زنان و جوانان، به میدان سیاست وارد شدند و در بدنه‌ی رهبری اتحادیه‌ی جوانان کمونیست، حزب کمونیست، پارلمان ملی، و شورای دولت ادغام گشتند.

این مرحله‌ی کوتاه مدت تعمیق انقلاب کوبا، با

آغاز بحران اقتصادی‌ای که دلیل بلافصل آن از دست رفتن ۸۵ درصد تجارت بین المللی و قطع روابط مالی و اعتباری با کشورهای عضو «کومکن» _ که بر اساس قراردادهای ترجیحی استوار بود _ متوقف شد. مرحله‌ی چهارم انقلاب کوبا، که در این کشور به نام «دوران ویژه» شناخته می‌شود، دارای مختصات زیر می‌باشد: در بین سال‌های ۹۳-۱۹۹۰، تولید ناخالص ملی نسبت به سال ۱۹۸۹، حدود ۳۳ درصد تنزل یافت. ظرفیت صنعتی مورد بهره برداری به ۱۰ تا ۱۵ درصد رسید و میزان واردات ۷۵ درصد افت داشت. نقش کلیدی را در این میان واردات نفت و مواد نفتی داشت، که قبلا از شوروی خریداری می‌شد. واردات نفت از ۱۳ میلیون تن در سال ۱۹۸۹، به ۵ میلیون تن در سال ۱۹۹۳ رسید. آن چه روسیه به کوبا می‌فروخت، به طور نامنظم می‌رسید و برای آن بهای بازار جهانی پرداخت می‌شد. در نتیجه، حتا مصرف غذای روزمره نیز لطمه دید؛ چرا که کوبا به کومکن برای مصارف غذایی اش وابسته شده بود. متوسط کالری روزانه‌ی هر فرد از ۲۹۸۴ در سال ۱۹۸۶، به ۱۸۶۳ در سال ۱۹۹۳ رسیده بود. مصرف پروتئین در همین سال‌ها به ترتیب ۷/۷۹ و ۶۶ گرم برای هر فرد بود.

بررسی اقدامات اقتصادی اتخاذ شده در دهه‌ی ۱۹۹۰، که به احیای اقتصاد کوبا انجامید، از حوصله‌ی این نوشته خارج است (خواننده‌ی علاقمند را به مطالعه‌ی نوشته‌ی ارزنده‌ی ال کمپیل توصیه می‌کنم). در این جا، من صرفا به چند واقعیت از این تجربه اشاره می‌نمایم. اول این که بحران عمیق اقتصادی در کوبا، از نظر کیفیت و علل، با بحران اقتصادی کنونی در کشورهای جهان سوم تفاوت دارد و من در جای دیگری (نیری 1996) با تفصیل بیشتر به این مساله پرداخته‌ام. از طرف دیگر، عمق بحران با آن چه که در ایالات متحده در دهه‌ی ۱۹۳۰ رخ داد و در دهه‌ی ۱۹۹۰، روسیه و دیگر کشورهای شوروی سابق و بخش مهمی از کشورهای اروپای شرقی با آن مواجه شدند، تفاوت دارد. بحران اقتصادی کوبا، نسبت به تجربه‌ی ایالات متحده و روسیه، خفیف تر بوده است. سوم این که بحران ظرف چهار سال به نهایت رسید و از سال ۱۹۹۴ به بعد، کوبا مسیر بهبود وضع اقتصادی را طی می‌کند. این دست آورد اقتصادی در شرایط تشدید خصومت امپریالیستی با انقلاب و تمهیدات اقتصادی ایالات متحده، تنها بر پایه‌ی حمایت توده‌ی مردم از سیاست‌های اقتصادی دولت کوبا می‌توانست میسر شود. چهارم تشخیص این

واقعیت است، که افت اقتصادی در کوبا، پایه‌ی مادی برای پیشرفت سوسیالیستی را ضعیف تر از گذشته کرده است. و اقدامات اقتصادی لازم در این دوره، نقش دولت در اقتصاد را کاهش داده و در مقابل، عملکرد مستقل واحدهای اقتصادی و نفوذ بازار را تقویت نموده است. در نتیجه، اگرچه اقدامات اخیر به بهبود وضع اقتصادی انجامیده، اما نفس این اقدامات علیه هم بستگی سوسیالیستی و آگاهی کمونیستی عمل می‌کند و فضا را برای کنترل کارگری و مدیریت کارگری تنگ تر می‌نماید. اما خواهیم دید که در همین دوران، امکانات شرکت بیشتر توده‌های کارگر و زحمتکش گه گاه فراهم شده است. در زیر به رئوس اقدامات عمده‌ی دولت در «دوران ویژه» و به برخی نتایج آن برای پروژه‌ی سوسیالیستی اشاره می‌کنم:

سرمایه گذاری‌های مشترک، که بر پایه‌ی سودآوری سرمایه داری عمل می‌کنند، اگر چه نسبت به حجم اقتصاد کوبا ناچیز هستند _ در سال ۱۹۹۶، تعداد ۲۶۰ شرکت، ۱۰۵ هزار و ۹۵۳ نفر را از یک نیروی کار ۳/۸ میلیونی در استخدام داشتند _ در سال‌های اخیر بخشی از اقتصاد کوبا شده‌اند. توریسیم بین المللی، که حکومت کوبا از دهه‌ی ۱۹۸۰ در صدد توسعه‌ی آن بود، اکنون به موتور رشد اقتصادی بدل گشته است. اما توریسیم علاوه بر جلب ارز خارجی، که برای واردات حیاتی‌ای چون نفت، غذا، لوازم یدکی و تکنولوژی لازم است، مشکلات اجتماعی متعددی _ از افزایش تقاضا برای فحشا و مواد مخدر، تا امکان پخش بیماری‌های عفونی چون ایدز _ را به همراه دارد. قانونی سازی دلار و به همراه آن رشد اقتصادی که بر پایه‌ی دلار می‌گردد، برای موفقیت سیاست‌های مالی و جذب ارز خارجی مهم بوده است. اما همین امر، تساوی نسبی درآمدها را به خطر انداخته است؛ زیرا کسانی که در استخدام شرکت‌های بین المللی هستند و درآمدها به دلار است، یا آن‌ها که در بخش توریسیم کار می‌کنند و یا از بستگان شان که در خارج زندگی می‌کنند، کمک مالی می‌گیرند، درآمدی چند برابر اکثریت کارگران و زحمتکشان کوبایی دارند، که دستمزدشان به پزو است. انحصار تجارت خارجی، که برای برنامه ریزی اقتصاد با برنامه _ با جهتی سوسیالیستی _ اساسی است، در شرایطی که کوبا می‌کوشد با ادغام در بازار جهانی سرمایه داری روابط جدید تجاری، مالی، و اعتباری پیدا کند، تضعیف شده است. فعالیت‌های اقتصادی خانوادگی (در کوبا استخدام نیروی کار، غیر قانونی است)

حدود ۲۰ درصد نیروی کار را مشغول به خود کرده است. در همهی این موارد، الزامات بازار، روحیهی فردگرایی را تشویق می‌کند و حتا لازم می‌آورد. این امر، بنوبهی خود، ارزش عملکرد جمعی و جستجوی راه حل‌های جمعی برای مشکلات اجتماعی را به خطر انداخته است. یک نمونه، تنزل موقعیت اقتصادی کوبایی‌های آفریقایی الاصل - یا بهتر بگویم، کوبایی‌هایی که پوست تیره تری دارند - است که خود ناشی از اقدامات اقتصادی اخیر است. شرکت‌های بین‌المللی سرمایه داری که در کوبا فعالیت می‌کنند، سیاست‌های نژادپرستانه‌ی خود را به طور غیر مستقیم و غیر علنی در امر استخدام به کار می‌گیرند؛ اگرچه هر گونه استخدام باید با توافق دولت کوبا صورت گیرد. این‌ها ترجیح می‌دهند، کوبایی‌هایی که پوست تیره تر دارند را یا استخدام نکنند و یا برای مشاغلی که درآمد

سوسیالیسم، ماهیت آن، و مطلوب و عملی بودن پروژه‌ی سوسیالیستی، در جریان است. هم زمان، بازنگری نقادانه از چهار دهه‌ی گذشته در جریان است. تحرک جدیدی در بین کارگران و دهقانان در شهر و روستا دیده می‌شود. یک مورد اساسی، تبدیل مزارع دولتی به تعاونی‌های کشاورزی است، که در پاییز ۱۹۹۳ شروع شد. در کوبا، این اقدام به عنوان سومین مرحله‌ی اصلاحات ارضی معروف است. بسیاری از مزارع دولتی بین کارگران کشاورزی این واحدها تقسیم شده‌اند، تا به طور تعاونی کشت شوند. زمین هم چنان قابل خرید و فروش نیست. اما محصول این تعاونی‌ها به کارگران آن تعلق دارد. هر تعاونی باید در وحله‌ی اول میزان معینی از تولیدش را به قیمت از پیش توافق شده به دولت بفروشد. مابقی تولید را تعاونی می‌تواند در بازار محصولات کشاورزی، به نرخ

نوع شوروی، که در سال‌های ۸۵-۱۹۷۰ رایج بود، کادر اداری مزارع دولتی تا حدود ۵۰ درصد نیروی کار این واحدها را به خود اختصاص می‌داد. تبدیل مزارع دولتی به تعاونی‌های کشاورزی، یک شبه این بخش عظیم از نیروی کار غیر مولد را تقریبا از بین برد. یک مثال درخشان دیگر، «پارلمان‌های کارگری» هستند. زمانی که در دسامبر سال ۱۹۹۳، مجلس ملی مشغول طرح پیشنهادی تزییقات اقتصادی بود - که در متن بحران عمیق سال‌های ۹۳-۱۹۹۰ اجتناب ناپذیر می‌نمود - تصمیم بر این گرفته شد که این سری پیشنهادات را ابتدا به بحث کارگران کوبا بگذارند، تا از نظرات آنان مطلع شوند. از ژانویه تا ماه مه ۱۹۹۴، حدود ۸۰ هزار جلسه‌ی بحث و گفتگو در مراکز کار در سراسر کوبا، توسط «مرکز کارگران کوبایی»، سازمان



بعد از «ارتش شورشی»، که طی جنگ انقلابی شکل گرفت، تشکیل «میلیشیای ملی انقلابی» نیز در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۹ تاسیس شد. از آن زمان به بعد، انقلاب کوبا به یک جمعیت مسلح و آماده به دفاع از خویش تکیه کرده است. در ۴۱ سال گذشته، در مقابله با تخاصم بی‌امان امپریالیستی، این تشکلات تقویت شده‌اند. در حال حاضر، انقلاب کوبا بر پایه‌ی مشی «جنگ تمامی ملت»، که مستلزم آمادگی همهی جمعیت برای مقابله با حمله‌ی احتمالی امپریالیست‌ها است، از خود دفاع می‌کند.

کمتری دارند، به کار گیرند. از جانب دیگر، اکثریت بزرگی از کوبایی‌های مهاجر از سفید پوستان هستند و این‌ها برای خانواده‌های خود در کوبا کمک مالی می‌فرستند. در نتیجه، اکثریت کسانی که از این امکانات برای مقابله با بحران اقتصادی برخوردارند، سفید پوست هستند. کوبایی‌هایی که پوست تیره تر دارند، علیرغم سیاست مبارزه با تبعیض نژادی - که از سال ۱۹۵۹ به بعد دنبال شده است - امروزه دوباره در موقعیتی ضعیف قرار گرفته‌اند. اما شرایطی که به بحران اقتصادی دامن زده است و شیوه‌ی غلبه بر آن، تامل و تفکر را در بین انقلابیون کوبایی دامن زده است. از جمله‌ی مهم‌ترین مسائلی که امروزه در کوبا بحث می‌شود، ارزیابی و تحلیل از ماهیت اتحاد شوروی و جوامع اروپای شرقی است؛ که تقریبا همه کس در کوبا از آن‌ها هنوز به عنوان «اردوگاه سوسیالیستی» یاد می‌کند. بحث پیرامون

که عرضه و تقاضا تعیین می‌کند، به فروش برساند. هر میزان مازاد پولی که به تعاونی تعلق دارد، به هر طریقی که تشخیص داد، مصرف می‌شود. تعاونی‌ها، مسئولیت مالی فعالیت اقتصادی خود را بر عهده دارند. ماشین آلات، بذر و کود خود را باید تهیه کنند و به علاوه باید در شرایطی باشند که دولت به آن‌ها اعتبار مالی بدهد. در سال ۱۹۹۶، این دسته از تعاونی‌ها که به «واحدهای بنیادین تولید تعاونی» شهرت دارند، ۴۲ درصد زمین‌های زیر کشت را در اختیار داشتند. مزارع دولتی ۳۳ درصد، مزارع تعاونی قدیمی ۱۰ درصد، و مزارع خانوادگی (کشاورزان خرده پا) ۱۵ درصد این اراضی را در اختیار داشتند. تبدیل مزارع دولتی به تعاونی‌های کشاورزی، با انگیزه‌ی افزایش بهره‌وری کار از طریق تقویت انگیزه‌های مادی کارگران صورت گرفت، اما از نقطه نظر سیاسی نیز اقدام صحیحی بود. تحت تاثیر الگوی توسعه‌ی

داده شد. نتایج این مباحثات، توسط سازمان مزیور جمع بندی شده و در اختیار پارلمان ملی قرار گرفت. در ماه مه، مجلس ملی یک بار دیگر به بحث لوائح تزییقاتی نشست، ولی این بار دیدگاه کارگران و پیشنهادات آنان را نیز به بحث گذارد. بنا به پیشنهاد کارگران، لایحه‌ی وضع مالیات بر دستمزدها تصویب نشد و یک سری قوانین برای مقابله با تخریب و دزدی مدیریت در تولید وضع گردید. در آخر همین سال، دومین دور «پارلمان‌های کارگری» به بحث نقش مدیریت و نیاز به افزایش درگیری کارگران در تصمیمات مربوط به تولید سازمان داده شد. سومین دور «پارلمان‌های کارگری» در سال ۱۹۹۵ برای بررسی مشکلات بهره‌وری کار، که یک مساله‌ی مرکزی اقتصاد کوبا است، تشکیل شد. در سال ۱۹۹۶، هفدهمین کنگره‌ی «مرکز کارگران کوبایی» حول سندی که به تحلیل «دوران ویژه»

اختصاص یافته بود و نقش کارگران را در حفظ و ادامگی توسعه سوسیالیستی ارزیابی می‌کرد، سازمان داده شد. این سند، از چند ماه قبل از کنگره در اختیار کارگران قرار داشت و در همه اماکن کار به بحث گذاشته شد. کنگره در پرتو بحثها و پیشنهادات کارگران و نمایندگانی که انتخاب شده بودند، سندی ترسیمی را اتخاذ کرد که راهنمای کار دوره بعد شد.

۶- نیاز به همبستگی با انقلاب کوبا

در پایان دهه ۱۹۹۰، همگی شواهد بر این دلالت داشت که کوبا بحران اقتصادی را پشت سر گذاشته است. از یک دیدگاه صرفاً اقتصادی، این دست آورد قابل تقدیری است. کافی است به تداوم بحران در روسیه و اکثر کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی نظر کنیم، که علیرغم کمکهای مالی هنگفت و حمله وسیع به سطح زندگی کارگران و زحمتکشان، هم چنان ادامه دارد. از سوی دیگر، کافی است کوبا را با کشورهای آفریقایی و اکثر کشورهای آسیا، آمریکای لاتین و دریای کارائیب قیاس کنیم. اما آن چه مهمتر است، یادآوری این نکته می‌باشد که سیاست غلبه بر بحران در کوبا در چهارچوب اهداف کنونی انقلاب - یعنی استقلال و سوسیالیسم - انجام گرفته است. در شرایطی که در سراسر جهان، رژیم‌های سرمایه داری و آنان که آرزوی سرمایه دار شدن را دارند، بار سنگین غلبه بر بحران اقتصادی را بر گردی کارگران و زحمتکشان می‌اندازند - که هرچه بیشتر از شرکت در حیات سیاسی محروم می‌شوند - کوبا مسیری را اتخاذ کرده است که مستلزم تعطیل درمانگاه‌ها، مدارس، کتابخانه‌ها، و موزه‌ها نبوده است. باز هم از این مهمتر، توده مردم کوبا - به ویژه کارگران و دهقانان - در بحث و تصمیم‌گیری پیرامون سیاستهای دهه ۱۹۹۰ - که پیشتر به آن‌ها اشاره شد - شرکت داشته‌اند. این واقعیت به خودی خود کافی است که انقلاب کوبا را نمونه‌ای درخشان برای کارگران سراسر جهان بکند. دقیقاً همین واقعیت است که ریشه‌ی نفرت سرمایه داری جهانی را از انقلابیون کوبایی تشکیل می‌دهد. حقیقت تاریخی این است، که انقلاب کوبا و جهان سرمایه داری نمی‌توانند در دراز مدت در کنار هم باقی بمانند. نزد پیشتازان جنبش کارگری، انقلاب کوبا سنگر مقدمی از مبارزه‌ای است که هدف بازسازی جهان را بر پایه‌ی انسانی دنبال می‌کند. دفاع از انقلاب کوبا، جزئی تجزیه ناپذیر از دفاع و تعمیق مبارزه برای جهانی است

که از استعمار، ستم و از خود بیگانگی عاری باشد. انقلاب کوبا ناشی از بیش از یک قرن مبارزه دموکراتیک ملی برای غلبه بر عقب ماندگی تاریخی‌ای بود، که استعمار و سرمایه داری جهانی و حامیان بومی آن به توده مردم تحمیل کرده بودند. این مبارزه می‌باید به اقدامات ضد سرمایه داری تاسی می‌جست، تا از خود در برابر ارتجاع زمین داران و سرمایه داران و حملات امپریالیست‌ها دفاع کند. اما رهبری انقلاب کوبا از چنان ظرفیتی برخوردار بود، که توانست همراه با رادیکالیزاسیون توده‌ی کارگر، از اقدامات ضد سرمایه داری که به ایجاد یک اقتصاد دولتی انجامید، راه به مسیر سوسیالیستی بگشاید؛ که بر پایه‌ی خود سازماندهی و عمل مستقیم کارگری استوار باشد. تفاوت این دو در اقتصاد است، که به دست دیوان سالاران و فن سالاران - اما به بهانه‌ی منافع طبقه‌ی کارگر - می‌گردد؛ و اقتصادی که بر پایه‌ی پتانسیل فعال کارگران و در جهت ایجاد شرایط برای خود مدیریتی آنان عمل می‌کند.

پیروزی نهایی انقلاب کوبا، اما در گرو استقرار قدرت کارگری در مراکز امپریالیستی است؛ چرا که سوسیالیسم پرولتری نیازمند بالاترین دست آوردهای بشری در حوزه امکانات مادی، تکنیکی و فرهنگی است. وقوع انقلابات سوسیالیستی در حاشیه‌ی نظام سرمایه داری جهانی، ناشی از «دورگرد تاریخی» انقلاب جهانی است. با رشد اشرافیت کارگری در اروپای غربی و آمریکای شمالی، دیوان سالاری در اتحادیه‌ی کارگری، و رفرمیسم در جنبش سوسیالیستی، به صورت سوسیال دموکراسی غالب شد و جلوی انقلاب سوسیالیستی را گرفت.

عدم موفقیت انقلابات کارگری در اروپا، در پایان جنگ اول جهانی، انقلاب روسیه را در محاصره‌ی امپریالیسم تنها گذارد. عقب افتادگی اقتصادی، جنگ داخلی و تهاجم نظامی امپریالیستی که به نابودی گردان‌های پیشتاز کارگری انجامید، راه را برای غلبه‌ی قشر دیوان سالار ضد انقلابی در حزب، دولت و جامعه باز کرد. استالینیسیم - اکنون همراه با سوسیال دموکراسی - مددکار سرمایه‌ی جهانی شده بود، تا جلوی گسترش سوسیالیسم پرولتری را بگیرد. اهمیت جهان - تاریخی انقلاب کوبا در این واقعیت است که در خارج از مدار استالینیسیم و به عنوان عامل مستقلی در سیاست جهانی به وقوع پیوست. انقلاب کوبا در مبارزه دائم رهبری انقلاب با دیوان سالاری، سطح نازل

بهره‌وری کار و تلاش برای توسعه اقتصادی از یک سو، و سیاست اترناسیونالیستی برای گسترش انقلاب جهانی از سوی دیگر، تا امروز برای کارگران و دهقانان وقت خریده، تا انقلابات دیگر به ندای آنان پاسخ مثبت دهند. بحران عمیق نظام سرمایه داری جهانی که با بحران ویران‌گر استالینیسیم و سوسیال دموکراسی همراه شده است، موانع عینی و ذهنی اساسی را از سر راه رادیکالیزاسیون توده‌ی کارگر برداشته است. در این شرایط نوین، جنبش کارگری و سوسیالیستی در همه جا امکان به دست گرفتن ابتکار سیاسی را دارد. راز موفقیت در هم بستگی با انقلاب کوبا، در استفاده‌ی پیشتازان پرولتری از این شرایط است.

۳۰ اسفند ۱۳۷۸



منابع:

حقایق و وقایع تاریخی و ارقام ارائه شده در این نوشته، عمدتاً از منابع زیر اخذ شده‌اند. برخی از اطلاعات عرضه شده نیز در جلسات و مصاحبه‌هایی که در کوبا داشتم، جمع‌آوری شده‌اند. در این جا مایلیم از چند نوشته که کمک مهمی به تهیه‌ی متن حاضر کردند، یاد کنیم. برای دگرگونی‌های اقتصادی در سال‌های اول انقلاب، من از کتب: هانسن، هورمن و سویزی، ماتیوز، و به ویژه از کتاب بورشتین یاری گرفتم. برای مرتبه‌ی تاریخی وقایع و فرمان‌های انقلابی، کتاب کوچک له ریوراند، اگرچه ناکافی بود، اما به دردم خورد. از منابع دیگری نیز برای تأیید این داده‌ها استفاده کردم، که در فهرست منابع آمده‌اند.

من هنوز منبعی که تاریخچه‌ی تشکلات توده‌ای انقلاب را به طور مفصل شرح بدهد، سراغ ندارم، اطلاعات در این زمینه پراکنده و گاه هم خوان نیستند. همان طور که راثول کاسترو اخیراً اذعان کرد، انقلابیون کوبایی آن قدر مشغول امر انقلاب بوده‌اند، که از نگارش تاریخ آن غافل مانده‌اند. نیاز فراوانی به تحقیق و نوشتن تاریخ انقلاب کوبا وجود دارد. اگرچه این نوشته با دقت بسیار و بر پایه‌ی زحمات متفکرین و مبارزین متعددی نوشته شده است، اما خواننده‌ی دقیق حتماً در آن ضعف‌ها و حتا اشتباهاتی خواهد یافت. مسئولیت همه‌ی این‌ها با من است.



- Boorstein, Edward
1968: The Economic Transformation of Cuba. New York: Modern Reader.
- Campbell, Al
1999: "The Cuban Economy Has Turned the Corner: The Question Now Is Where Is It Going?" Global Development Studies, vol. 1, no. 3-4, winter-spring pp. 149-192.
- Castro, Fidel
1953: History Will Absolve Me. Secaucus, New Jersey: Lyle Stuart Inc. (1984)
1961: "Why Is the United Party of the Socialist Revolution Necessary?" New York: Fair Play for Cuba Committee.
1961: "Speech of March 26 Against Bureaucracy and Sectarianism," New York: Pioneer Publishers.
1962: "The Second Declaration of Havana: Cuba's Answer to the OAS." New York: Pioneers Publishers.
1968: Fidel Castro Speaks. Martin Kenner and James Petras (eds.), New York: Grove Press, Inc.
1981: Current Problems of Underdeveloped Countries: A Selection of Speeches. Havana: Publication Office of the Council of the State.
1981: Fidel Castro Speaks: Cuba's Internationalist Foreign Policy, 1975-80. Mike Taber (ed.), New York: Pathfinder.
1983A: The World Economic and Social Crisis: Report to the Seventh Summit Conference of the Non-Aligned Countries. Havana: Publication Office of the Council of the State.
1983B: Our Power Is That of the Working People: Speeches, vol. II. New York: Pathfinder.
1985: Fidel on Religion: Conversations with Frei Bentto. Sydney: Pathfinder.
1986: Nothing Can Change the Course of History: An Interview. By Jeffrey M. Elliot and Marvin M. Dymally, New York: Pathfinder.
1989: In Defense of Socialism: Four Speeches on the 30th Anniversary of the Cuban Revolution. New York: Pathfinder.
- Castro, Fidel and Ernesto Che Guevara
1992: To Speak the Truth: Selection of Speeches. New York: Pathfinder.
- Central Committee of the Communist Party of Cuba
1976: Programmatic Platform of the Communist Party of Cuba.
- Del Rio, Eduardo
1968: Cuba for Beginners: An Illustrated Guide for Americans. New York: Pathfinder.
- Guevara, Ernesto Che
1987: Che Guevara and the Cuban Revolution: Writings and Speeches of Ernesto Che Guevara. David Deutchmann (ed.), Sydney: Pathfinder.
1996: Episodes of the Cuban Revolutionary War 1956-58. New York: Pathfinder.
1999: Che Guevara Talks to Young People. New York: Pathfinder.
- Harnecker, Marta
1980: Cuba: Dictatorship or Democracy: How Peoples Power Works. West Port, Connecticut: Lawrence Hill Publishers.
1985: From Moncada to Victory: Fidel Castro's Political Strategy, New York: Pathfinder.
- Hansen, Joseph
1978: Dynamics of the Cuban Revolution Today: The Trotskyist Perspective. New York and Toronto: Pathfinder Press.
- Hernandez, Carmen R. Alfonso
1997: 100 Questions and Answers about Cuba. Havana: Pablo de la Torriente, Editorial.
- Huberman, Leo and Paul M. Sweezy
1960: Anatomy of a Revolution. New York: Modern Reader.
1960: Special Issue on Cuba. New York: Monthly Review, vol. 13, nos. 3-4.
- Kelly, Tom (ed.)
1967: Special Issue on Cuba. New York: International Socialist Review.
- Le Riverend, Julio
1997: Brief History of Cuba. Havana: Editorial Jose Marti.
- Lockwood, Lee
1968: Castro's Cuba, Cuba's Fidel: An American Journalist's Inside Look at Today's Cuba. New York: Vintage, 1969.
- Matthews, L. Herbert
1975: Revolution in Cuba: A New Look. New York: Charles Scribner's Sons.

منابع به زبان فارسی:

۱۹۹۶: «تضاد و پیشرفت در انقلاب کوبا: یک ارزیابی از شرایط کنونی»، پاریس، «آرش»، شماره ۵۶، ژوئن - ژوئیه؛
تعدادی از سخنرانی‌های فیدل کاسترو و برخی از کتب وی، تعدادی از آثار چه گوارا و چند کتاب از مورخین آمریکایی در مورد تاریخ کوبا به فارسی ترجمه شده است و طی سال‌ها، به ویژه بعد از انقلاب ۱۳۵۷، در تهران به چاپ رسیده است. من در شرایط فعلی به این‌ها دسترسی ندارم، و به هر حال یافتن این‌ها در بازار کتاب معمولاً میسر نیست. از این رو، به تهیه‌ی فهرستی از این‌ها همت نکردم و همان منابع را به زبان انگلیسی در بالا آورده‌ام، که به راحتی قابل دسترسی هستند. امر انتشار منظم مطالبی در مورد انقلاب کوبا، نیازمند همت افراد و انتشاراتی است که به اهمیت این انقلاب واقف‌اند و مطمئن هستم که به تدریج انجام خواهد شد.



معرفی نویسنده:

کامران نیری از سال ۱۹۹۷ در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، به کار پژوهش و ارزیابی اثرات سیاست‌های تزییقاتی بر برنامه‌های رفاه اجتماعی در کالیفرنیا و آمریکا مشغول است. وی از سال ۱۳۵۰، از کوشندگان جنبش سوسیالیستی در ایران و ایالات متحده بوده است و در انقلاب ایران برای تحقق چشم انداز حکومت کارگران و دهقانان بر پایه‌ی شوراهای و تشکلات توده‌ای زحمتکشان شرکت فعال داشت. کامران نیری در سال‌های اخیر، علاوه بر شرکت در مبارزات عملی روز چون دفاع از زندانیان سیاسی در ایالات متحده و ایران و سایر کشورها، همبستگی با مبارزات دفاعی اتحادیه‌های کارگری، فعالیت علیه جنگ‌های امپریالیستی ایالات متحده، و همبستگی با مبارزات مردم فلسطین و ایرلند و پورتوریکو و انقلاب کوبا، در صدد کمک به تبلور یک بدیل سوسیالیستی بر اساس بازنگری و بازسازی نقادانه از نظریه و عمل گذشته بوده است. برخی از کارهای نظری وی در بخش منابع مقاله‌ی فوق آمده است. با کامران نیری می‌توان از طریق آدرس الکترونیکی زیر تماس گرفت:

knayeri@uclink4.berkeley.edu

McManus, Jane. Getting to Know Cuba: A Travel Guide. New York: St. Martin's 1969 Press.

Nayeri, Kamran

1992A: The Role of Competition in Theories of Late Capitalist Development, Ann Arbor: UMI Dissertation Services.

1992B: "The Problem of Transition to Socialism: Contributions of Ernesto Che Guevara and the Cuban Revolution," Union for Radical Political Economics/Eastern Economic Association conference, New York, March 27-29, Mimeo.

1994: From Guevara to Marx and Back: Cuban Revolution and the Problem of Transition to Socialism," 6th Conference of North American and Cuban Philosophers and Social Scientists, University of Havana, Cuba, June 13-17, Mimeo.

1995: "Cuban Health Care System and Factors Currently Undermining It," Journal of Community Health, vol. 20, no. 4, August.

1998: "The World Economic and Social Situation on the Eve of the 21st Century: A Review Essay," Review of Political Economy, vol. 10, no. 2, pp. 233-244.

1999: "Methodology of the Marxian Theory of Socialism," Conference of North American and Cuban Philosophers and Social Scientists, University of Havana, Cuba, June 12-18.

Silverman Betram (ed.)

1973: Man and Socialism in Cuba: A Great Debate, New York: Atheneum.

Stalin, Joseph

1952: Economic Problems of the U. S. S. R., Moscow: Progress Publisher

Trotsky, Leon

1928: The Third International After Lenin. New York: Pathfinder (1970).

1937: The Revolution Betrayed. New York: Pathfinder (1972).

Tablada, Carlos

1989: Che Guevara: Economic and Politics of Transition to Socialism, Sydney: Pathfinder Press.

Waters, Mary Alice (ed.)

1991: Che Guevara: Cuba and the Road to Socialism, New International no. 8.

Zimbalist, Andrew and Claes Brundenius

1989: The Cuban Economy: Measurement and Analysis of Socialist Performance: The Johns Hopkins University Press.

اگر برای «نگاه» مقاله می‌نویسید، توجه کنید که این نشریه: - در رد یا قبول مطالب آزاد است. علت پذیرفته نشدن مطلب به اطلاع نویسنده آن خواهد رسید؛
- فقط مقالاتی را برای چاپ در نظر می‌گیرد که برای این نشریه فرستاده شده باشند؛
- در تلخیص مطالب آزاد است. اگر نمی‌خواهید مطلب شما تلخیص شود، حتما این را قید کنید؛
- تنها مقالات و نوشته‌های دارای امضا را برای چاپ انتخاب می‌کند؛
- نسخه ارسالی را پس نمی‌فرستد؛
- اگر ترجمه می‌فرستید، یک نسخه از اصل مطلب را هم ضمیمه آن کنید؛